

## نگرشی به وضعیت حقوقی و شرعی رحم جایگزین

غلامعلی صفری<sup>۱</sup>، هرمز اسدی کوه باد<sup>۲</sup>، سید حسن حسینی<sup>۳</sup>

<sup>۱</sup> دانشجوی دوره دکتری تخصصی فقه و مبانی حقوق اسلامی، دانشگاه آزاد اسلامی واحد رامهرمز، خوزستان، رامهرمز، ایران.

<sup>۲</sup> استادیار رشته الهیات، فقه و مبانی حقوق اسلامی، عضو هیات علمی دانشگاه آزاد اسلامی واحد رامهرمز، خوزستان، رامهرمز، ایران.

<sup>۳</sup> استادیار رشته الهیات، فقه و مبانی حقوق اسلامی، عضو هیات علمی دانشگاه آزاد اسلامی واحد رامهرمز، خوزستان، رامهرمز، ایران.

نام نویسنده مسئول:

هرمز اسدی کوه باد

### چکیده

با پیشرفت پزشکی و امکان درمان ناباروری از طریق پزشکی، مسائل پیچیده‌ای در حوزه‌های اخلاقی، حقوقی، اجتماعی، دینی مطرح شده است که می‌بایست از طرف فقها، حقوقدانان و متخصصان علوم اجتماعی به آن‌ها پاسخ داده شود تا زمینه مناسب جهت وضع و تدوین قوانینی جامع فراهم گردد. یکی از این مسائل، رحم جایگزین است، جایگزینی رحم زمانی ضرورت می‌یابد که زوج همه عوامل دخیل در شکل‌گیری فرزند را داشته، ولی به دلیل فقدان رحم سالم و برخی عوامل دیگر، امکان داشتن فرزند از آن‌ها سلب گردیده است. بنا به فتوای و استدلال‌های فقهی‌ای که درباره جواز و عدم جواز جانشینی در بارداری مطرح است، این امکان برای قانون‌گذار ایران وجود دارد که به جواز یا عدم جواز این‌گونه جانشینی حکم کند؛ بنابراین بر پایه مبانی نظام حقوقی ایران، حکم به جواز استفاده از رحم جایگزین در صورتی که دارای مقدمات حرام نباشد، می‌تواند امری باشد که مغایر با موازین شرع به شمار نرود.

**واژگان کلیدی:** رحم جایگزین، تلقیح مصنوعی، اهدای جنین، صاحب رحم.

**مقدمه**

یکی از اهداف مهم ازدواج، توالد و ادامه نسل بشری است. این هدف نزد افراد از چنان اهمیتی برخوردار است که در صورت عدم تحقق، زوجین به راه‌های مختلفی برای نیل به این خواسته فطری و بشری متوسل می‌شوند و برآورده نشدن این خواسته در مواردی ممکن است موجب تزلزل این نهاد بنیادین اجتماعی گردد [۱].

تلقیح مصنوعی یکی از راه‌هایی است که با کمک آن، زوجین نابارور از نعمت داشتن فرزند برخوردار می‌شوند. منظور از تلقیح مصنوعی، آبستنی زن با وسایل مصنوعی از طرق علمی (علم پزشکی) و بدون صورت گرفتن نزدیکی است [۲].

مداخله شخص ثالث در تولیدمثل مصنوعی انسان که در سایه پیشرفت‌های عظیم علمی و استفاده از مادر میانجی یا جانشین امکان پذیر گردیده، باعث بروز مباحث جدید فقهی، اجتماعی، اخلاقی و حقوقی به‌ویژه حقوق خانواده شده است که بدون پاسخگویی به آن‌ها نمی‌توان امیدوار بود که بتوان آسوده‌خاطر در ترویج آن اقدام نمود و به مثبت بودن پیامدهای آن اطمینان داشت. رحم اجاره‌ای یعنی توافق با بانوی صاحب رحمی که آمادگی خود را جهت بارداری برای زوج نابارور اعلام می‌نماید، به‌گونه‌ای که پس از زایمان، نوزاد حاصل را به زوج نابارور تحویل دهد. بانوی صاحب رحم که حامل بارداری است، مادر جایگزین و زوج نابارور، والدین حقیقی فرزند تلقی می‌گردد [۳].

بررسی منابع فقهی نشان می‌دهند که از نقطه نظر فقهی، نظر واحدی پیرامون جواز یا عدم جواز استفاده از رحم اجاره‌ای وجود ندارد. گروهی همه صورت‌های موضوع بحث را روا می‌دانند و در مقابل گروهی دیگر جز در شرایط استثنایی، موارد فوق را حرام می‌دانند؛ اما بین دو دیدگاه فوق، رأی معتدل‌تری هم وجود دارد و آن تفکیک بین اسپرم و تخمک متعلق به زن و شوهر و بیگانه از یک طرف و ترکیب و لقاح اسپرم با تخمک در داخل یا خارج رحم از سوی دیگر است [۴].

در حقوق ایران بر مبنای قانون نحوه اهدای جنین به زوجین نابارور مصوب ۱۳۸۲/۴/۲۹ و آیین‌نامه اجرایی مصوب ۱۳۸۳/۱۲/۱۹، درمان ناباروری با انتقال جنین‌های تشکیل شده از نطفه زوج‌های قانونی و شرعی در خارج رحم با شرایطی مجاز است. مساله رحم جایگزین علی‌رغم تمام فرصت‌ها و موهبت‌هایی که با خود به دنبال دارد، چالش‌های بسیاری را نیز به همراه داشته است. این چالش‌ها در ابعاد مختلفی از جمله مذهبی، پزشکی، اخلاقی و حقوقی مطرح می‌گردد که هر یک از این ابعاد در جای خود بحث‌ها و نظرات و سؤالات بسیاری را به همراه داشته است. در این راستا بر آنیم تا وضعیت فقهی و حقوقی استفاده از رحم جایگزین را مورد مطالعه و بررسی قرار دهیم.

**مفهوم رحم جایگزین**

رحم جایگزین یعنی موافقت لازم با صاحب رحمی که اعلام آمادگی می‌نماید تا برای یک زوج نابارور، دوره بارداری را طی نموده و پس از زایمان، نوزاد را به آن‌ها تحویل دهد [۵]. در رحم جایگزین، میزبان به‌طور کامل جانشین مادر واقعی می‌شود. در صورتی که ممکن است، فرزند مهمان هیچ ارتباط ژنتیکی با مادر دوم خود نداشته و او تنها به‌موجب یک قرارداد فی‌مابین، توافق کرده باشد تا بارداری خود را به‌صورت تجاری و یا غیرتجاری انجام دهد [۴]. این مسئله کمک می‌کند تا مشکل ناباروری بسیاری از زوجین که دارای گامت‌های طبیعی بوده، ولی به دلایل مختلف قادر به طی دوره بارداری خود نیستند، برطرف شود [۶]. در مواردی مانند ناهنجاری‌های آناتومیکی که مانع از لانه‌گزینی جنین در رحم می‌شود، یا اینکه دوره بارداری با صدمات جبران‌ناپذیری برای مادر همراه هست، یا پرهیز از خطرات ناشی از بیماری‌های خاص که ممکن است به جنین انتقال پیدا کند و همچنین اجتناب مادر از پذیرش دوران سخت بارداری و زایمان، هرکدام می‌تواند به‌نوبه خود دلیلی برای استفاده از رحم جایگزین باشد [۷]. استفاده اقتصادی و به‌کرایه گرفتن خانواده‌های کم‌درآمد به‌عنوان مادر جایگزین از جمله مسائلی است که ممکن است اصل موضوع را خدشه‌دار کند. همچنین شاید استفاده از این روش برای زوج‌هایی مطرح باشد که توانایی لازم را در بارور شدن خود دارند، اما به لحاظ عدم تحمل زحمات ناشی از بارداری، پذیرای این کار نیستند. لذا ممکن است به خدمت گرفتن مادر جایگزین، زمینه را برای تقاضای کاذب و استفاده از زنان فقیر و آسیب‌پذیر جامعه فراهم سازد [۸]. بعضی از افراد نیز انتخاب مادر جایگزین را به‌عنوان یک حقوق فردی تلقی کرده، اما قائل به این هستند که آزادی عمل در انتخاب چنین تصمیم مهمی نباید بنیان خانواده و یا اعضای خانواده را دچار مشکل سازد. ضمانت اجرایی چنین مسئولیت مهمی برای طرفین در حقیقت داشتن تعهد اخلاقی است تا به لحاظ جاری شدن یک رضایت آگاهانه و داشتن آزادی لازم خود بتوانند سلامت این کار را تضمین نمایند [۹].

تلقیح از ریشه لقع به معنای آبستن کردن است [۱۰]. منظور از تلقیح مصنوعی، آبستنی زن با وسایل مصنوعی از طرق علمی (علم پزشکی) و بدون صورت گرفتن نزدیکی است [۲]. در تعریف مشابه دیگری گفته شده که تلقیح مصنوعی عبارت است از داخل کردن اسپرم مرد در رحم یک زن بدون مقاربت جنسی به‌وسیله ابزار مصنوعی پزشکی به‌منظور بارور کردن تخمک زن و تکوین جنین [۱۱].

استفاده از روش مادر جانشین در بارداری انواع گوناگونی دارد که نحوه ارتباط ژنتیکی مادر جانشین با جنین در هر یک از آن‌ها در آثار و نتایج حاصله و انتساب و به تبع آن، حقوق و تکالیف اشخاص دخیل در این فرایند، تأثیر بسزایی دارد. از دیدگاه پزشکی، روش رحم جایگزین به دودسته عمده تقسیم می‌شود:

۱- جایگزینی نسبی یا جانشینی با باروری مصنوعی: در این حالت، بارداری بانوی صاحب رحم در نتیجه لقاح تخمک وی با اسپرم همسر زن نابارور حاصل می‌شود. در این روش بانوی صاحب رحم از نظر ژنتیکی به کودک وابسته بوده و مادر ژنتیکی نیز محسوب می‌شود.  
 ۲- جایگزینی کامل یا جانشینی در بارداری: در این حالت تخمک و اسپرم زوجین نابارور به روش لقاح خارج رحمی به جنین تبدیل شده و به رحم جایگزین منتقل می‌گردد. در این روش از نظر ژنتیکی، فرزند حاصل هیچ ارتباطی با بانوی صاحب رحم نداشته و زوجین نابارور والدین ژنتیکی کودک محسوب می‌شوند [۳].  
 اما از دیدگاه فقهی، روش رحم جایگزین را می‌توان بر اساس جایگزینی اسپرم، تخمک و جنین در رحم شخص ثالث و بر اساس منشأ اسپرم، تخمک و جنین به چهار صورت اصلی که ممکن است دارای یک یا چند حالت باشد، تقسیم کرد که این تقسیم‌بندی به روشن شدن مسائل فقهی نهفته در موضوع بحث کمک می‌کند.

**صورت اول:** زوجه نابارور تنها از داشتن رحم محروم است، ولی دارای تخمک سالم بوده و زوج نیز دارای اسپرم سالم است. در این مورد جنین حاصل از تخمک و اسپرم زوجین نابارور به رحم جایگزین منتقل می‌گردد.

**صورت دوم:** زوجه نابارور از داشتن رحم و تخمدان محروم است، ولی زوج او دارای اسپرم سالم است. این حالت خود دارای دو قسم است:

۱- اسپرم همسر زوجه نابارور مستقیماً به رحم بانوی صاحب رحم منتقل می‌گردد.  
 ۲- تخمک بانوی صاحب رحم با اسپرم همسر زوجه نابارور در آزمایشگاه ترکیب شده و جنین حاصل از آن به رحم بانوی صاحب رحم انتقال می‌یابد.

**صورت سوم:** زوجه نابارور از داشتن رحم محروم بوده، ولی دارای تخمک سالم است و همسر زوجه نابارور از داشتن اسپرم سالم محروم است. در این مورد اسپرم اهدایی غیر با تخمک زوجه نابارور در محیط آزمایشگاه ترکیب شده و جنین حاصل از آن به رحم جایگزین انتقال می‌یابد.

**صورت چهارم:** زوجه نابارور از داشتن رحم محروم بوده و هم‌چنین زوج و زوجه نابارور از داشتن گامت (اسپرم/ تخمک) متعلق به خود محروم‌اند. این صورت دارای چهار قسم است:

۱- اسپرم اهدایی غیرمستقیم به رحم بانوی صاحب رحم منتقل می‌گردد.  
 ۲- تخمک بانوی صاحب رحم با اسپرم اهدایی غیر در محیط آزمایشگاه ترکیب شده و جنین حاصل از آن به رحم جایگزین انتقال می‌یابد.

۳- جنین حاصل از اسپرم و تخمک متعلق به زوج قانونی (اهدای جنین) به رحم جایگزین انتقال می‌یابد.  
 ۴- جنین حاصل از اسپرم اهدایی غیر و تخمک اهدایی غیر (بدون وجود رابطه زوجیت) به رحم جایگزین انتقال می‌یابد [۱۲].  
 تمامی صورت‌های فوق بر اساس اینکه بانوی صاحب رحم با مرد صاحب اسپرم، رابطه زوجیت (اعم از دائم یا منقطع) داشته باشد یا نه و هم‌چنین بر اساس وجود یا عدم وجود ضرورت پزشکی نیز می‌توان تقسیم کرد.

## بررسی وضعیت فقهی رحم جایگزین

### - وجوب حفظ فروج

فقه‌ها برای استنباط حکم وجوب حفظ فروج به آیات چندی استناد می‌کنند. در میان این آیات، آیه «وَقُلْ لِلْمُؤْمِنَاتِ يَغْضُضْنَ مِنْ أَبْصَارِهِنَّ وَيَحْفَظْنَ فُرُوجَهُنَّ؛ و به زنان باایمان بگو، دیدگان خود را [از هر نامحرمی] فروبندند و فروج خود را حفظ کنند...»<sup>۱</sup> آیه مناسب‌تری است که در این باره به آن استناد می‌شود. عبارت «وَيَحْفَظْنَ فُرُوجَهُنَّ» بر این دلالت دارد که زنان باایمان، فروج خود را حفظ و نگهداری کنند. ساختار امری آیه بر وجوب چنین عملی از سوی زنان باایمان دلالت دارد. از سوی دیگر، متعلق این امر نیز محذوف است و بیان نشده است که زنان، فروج خود را باید از چه اموری حفظ کنند؛ اما با توجه به قاعده‌ای که حذف متعلق را مفید عموم برشمرده است، می‌توان گفت که زنان باایمان باید فروج خود را از هر عملی که با حفظ آن منافات دارد، حفظ کنند.

ایرادهایی بر این استدلال وارد شده است. برای نمونه می‌توان به این ایراد اشاره کرد که مقصود از حفظ عضو یادشده، حفظ آن از دیگران است نه حفظ از هر چیزی؛ بنابراین ریختن منی مرد نامحرم در رحم زن توسط خودزن یا با وسیله مصنوعی را شامل نمی‌شود. علاوه بر اینکه چه‌بسا مقصود از حفظ، تنها حفظ از نگاه دیگران باشد، چنان‌که روایت ابو بصیر از امام صادق (ع) بر همین مطلب دلالت دارد [۱۳].

به نظر می‌رسد علاوه بر اشکال فوق می‌توان ایراد دیگری را که به‌نوعی بر اشکال پیشین نیز تقدم دارد، به استدلال وجوب حفظ فرج وارد کرد. ایراد این است که استدلال به حکم وجوب حفظ فرج از اعمال منافی با آن مستلزم آن است که ابتدا منافی بودن باروری رحم جایگزین با استفاده از تخمک بارور شده یا جنین رشد یافته در آزمایشگاه با دلیل یا دلایل دیگری اثبات شود. پس از چنین استنباطی می‌توان به حکم وجوب حفظ فرج برای حفظ فرج مادر جانسین از این عمل منافی استدلال کرد، حال آنکه بحث در منافی یا غیرمنافی بودن این‌گونه باروری است و اگر مشخص شود که دلیلی بر منافی بودن این عمل وجود ندارد، دیگر حفظ فرج از چنین عملی معنا ندارد و در گستره حکم وجوب حفظ فرج داخل نیست.

#### حرمت استقرار منی در رحم اجنبیه

یکی از مواردی که بیشتر مورد استناد مخالفان جایگزینی رحم قرار گرفته، روایاتی است که بر حرمت استقرار و یا انزال منی در رحم اجنبیه دلالت دارد. روایت علی بن سالم در شمار این روایتهاست. وی از حضرت صادق (ع) نقل کرده است که شدیدترین عذاب در روز قیامت، عذاب مردی است که نطفه خود را در رحم زنی که نسبت به او حرام است، بریزد [۱۴].

چنین استدلال شده که لسان این روایت بر منع قرار دادن نطفه در رحم محرم دلالت دارند؛ چه از طریق وطی و مقاربت جنسی (زنا) باشد و چه از طریق جایگزینی رحم. واژه نطفه در این روایات به معنای عام به‌کاررفته و شامل مراحل متعدد تحول و تکامل اجزای ژنتیکی زن و مرد از قبیل اسپرم و تخمک لقاح نیافته، تخمک بارور شده و حتی تخمک بارور شده‌ای که شروع به تکثیر سلولی نموده و به مراحل رشد و تکامل رسیده است، می‌شود. تنها زمانی از عنوان نطفه خارج می‌شود که مشمول عنوان عقله شود. روایاتی وجود دارند که برای رشد مراحل جنین یا حمل، سقف زمانی تعیین نموده و از زمان لقاح و لانه‌گزینی تا چهل روز را مشمول نطفه و از چهل روز تا هشتاد روز را عقله و ... دانسته‌اند. لذا در این روایت نیز منظور از نطفه همان آمیخته منی و تخمک است و شامل مرحله بعد از لقاح هم می‌شود. در این راستا می‌توان به آیه ۱۴ سوره مؤمنون استشهد نمود: «ثُمَّ خَلَقْنَا النَّطْفَةَ عَلَقَةً فَخَلَقْنَا الْعَلَقَةَ مُضْغَةً...».

همان‌طور که قرار دادن مستقیم نطفه در رحم از راه زنا (راه معمول) حرام است، از راه غیر معمول (جایگزینی رحم) نیز حرام خواهد بود، زیرا موضوع حرام یعنی قرار دادن نطفه در رحم حرام (غیر همسر) محقق شده است. جایگاه مشروع نطفه، رحم همسر است و اگر در غیر این جایگاه گذاشته شود، طبق روایتهای یادشده حرام است. نطفه (آمیخته اسپرم و تخمک) چه مشروع باشد و چه حرام، فرقی نمی‌کند و صرف قرار دادن آن در رحم غیر محرم حرام است؛ بلکه طبق روایات موصوف، حرام مؤکد خواهد بود [۱۵].

در زمینه دلالت این روایت بر حرمت، موارد زیر قابل تأمل است. اولاً مراد از واژه‌های «ماء» و «نطفه» در این روایت که صراحتاً به مرد منتسب شده، منی است که حاوی اسپرم است و شامل جنین نمی‌شود. در جایگزینی رحم، جنین درحالی‌که تکثیر سلولی یافته است، به رحم جانسین منتقل شده و جنین غیر از ماء و نطفه است و نمی‌توان آن را داخل در این عنوان دانست. روایت به منی و ماء در مرد اشاره دارد و شامل مراحل بعدی رشد آن یعنی پس از لقاح با تخمک زن و شروع تکثیر سلولی نمی‌شود.

ثانیاً مضمون روایت، ریختن منی در رحم و جای دادن نطفه در آن است، حال آنکه در جایگزینی رحم، تلقیح صورت می‌گیرد که به معنای ریختن منی در رحم نیست، بلکه منظور این است که منی تجزیه شده و از میان اسپرم‌های فراوان موجود در آن، اسپرم سالم و زنده‌گزینش، میکروبی‌زدایی و سپس با تخمکی که در رحم پدید آمده، در فضای بیرون رحم تلقیح می‌شود. لذا نفس عمل ترکیب اسپرم و تخمک در این روش هم تحت عنوان مندرج در روایت قرار نمی‌گیرد.

ثالثاً منظور از این روایت، لقاح اسپرم و تخمک افراد فاقد رابطه زوجیت است و اساساً به عملیات بهره‌برداری جنسی حرام انصراف دارد، حال آنکه در جایگزینی رحم، تلقیح بین اسپرم و تخمک زن و شوهر یعنی زوجین متقاضی واقع شده و حمل توسط رحم جایگزین انجام می‌گردد [۱۶].

#### مغایرت این عمل با اغراض تشریح ازدواج

برخی از فقها بر این عقیده‌اند که با اینکه ظواهر آیات و روایات بر منع باروری مصنوعی با اسپرم مرد بیگانه دلالت ندارد، از لحن الخطاب، ذوق فقهی، مفاهیم ادله و بعضی مناطیق آن‌ها و هم‌چنین به دلیل از بین رفتن مصالح مهم و اغراض تشریح ازدواج استنباط می‌شود که استفاده از این‌گونه باروری مصنوعی جایز نیست؛ برای مثال یکی از فقها بیان می‌کند که از ظواهر آیات و روایات درباره تلقیح مصنوعی چیزی به نظر نرسیده، ولی از لحن الخطاب و ذوق فقهی می‌توان گفت که یقیناً جایز نیست [۱۷].

به نظر می‌رسد که استدلال به لحن خطاب و ذوق فقهی در فقه با مبانی اصول فقه منطبق نباشد؛ چراکه برای حکم به وجوب یا حرمت یک موضوع به وجود دلیل یا دلایلی از منابع معتبر مانند کتاب، سنت، اجماع کاشف از رأی معصوم، عقل و بنای عقلا نیاز است و وقتی دلیلی از این قسم وجود نداشت، نمی‌توان به وجوب یا حرمت آن حکم کرد. به علاوه مغایرت با اغراض تشریع ازدواج نیز نسبت به استفاده از رحم جایگزین صدق نمی‌کند؛ چراکه اقدام به این عمل از سوی زوج نابارور برای استحکام و تداوم ازدواجشان است که قبل از انجام چنین عملی تحقق یافته است. مغایرت جانشینی در بارداری با اغراض تشریع ازدواج نسبت به مادر جانشین نیز عمومیت ندارد و مستلزم تخصیص اکثر است؛ چه اینکه اقدام اکثر مادران جانشین به این عمل دشوار جنبه ایثارگرایانه دارد و هدف آنان از چنین عملی، باری زوج نابارور در تداوم زندگی مشترکشان است. نتیجه اینکه جانشینی در بارداری از سوی مادر جانشین برای گریز از ازدواج انجام نمی‌گیرد، به‌ویژه اگر مادر جانشین ازدواج کرده باشد و جانشینی چنین زنی نیز جایز باشد؛ بنابراین به نظر می‌رسد اقدام به چنین عملی از سوی زوج نابارور و مادر جانشین با اغراض تشریع ازدواج مغایرت نداشته باشد؛ گرچه ممکن است برخی از این اقسام با اغراض تشریع ازدواج مغایر باشد و اشخاصی با اهداف دیگری به آن اقدام کنند. این موارد را می‌توان از استثنائات این حکم کلی برشمرد [۱۸].

### - لزوم احتیاط در فروج

برخی از مانعین جایگزینی رحم اظهار می‌دارند که در واقع، نص خاصی بر منع و حرمت این عمل وجود ندارد، اما بسیاری از آیات و روایات دلالت بر لزوم احتیاط واجب در امور مربوط به فرج می‌نمایند. فرج هم اختصاص به نکاح و وطی ندارد، بلکه کلیه اعمال متناسب با آن از جمله جایگزینی رحم را نیز شامل می‌شود. از این حیث، اصل احتیاط در فروج بین فقیهان امامیه معروف و معمول گشته، همان‌طور که احتیاط در دماء و اغراض مشهور است، احتیاط در مورد مسائل مرتبط با زوجیت نیز لازم و ضروری است. لذا جایگزینی رحم با استناد به اصل احتیاط و مغایرت این عمل با اغراض شارع از تشریع ازدواج ممنوع است و این حکم از مذاق شارع استفهام می‌گردد. آیت‌الله سیستانی می‌فرماید: اگر جایگزینی رحم مستلزم محرمی دیگر مانند نگاه و لمس محرم نباشد، گرچه دلیلی بر حرمت آن نیست، ولی احتیاط در ترک آن است. در اعلام نظر فقه اهل‌البیت نیز آمده که چنین عملی خلاف احتیاط است.

در این مورد می‌توان اظهار داشت که استناد به اصل احتیاط در فروج به ادعای فهم حکم از مجموعه نصوص هرچند که بعضی از آن‌ها دلالت کافی نداشته باشند، با این توجیه که این از مذاق شارع برمی‌آید، بیشتر نوعی حدس و گمان است و تا زمانی که این امر با مراجعه به ادله لفظی ثابت نشود، شایسته مستند قرار دادن برای حکم نیست. هم‌چنین حتی اگر قائل بر وجود اصل احتیاط مختص به فروج هم باشیم، باز استناد به آن، ملازمه با قول به وجوب ندارد، چنانچه بسیاری از فقیهان قائل به استحباب آن می‌باشند. صاحب جواهر با وجوب احتیاط در فروج به صراحت مخالفت نموده و از ملاحظه سایر عبارات ایشان خصوصاً راجع به عده برمی‌آید که ایشان قائل به اولویت احتیاط در فروج است نه وجوب آن، با این وصف که استحباب در اینجا مؤکدتر از جاهای دیگر است [۱۹].

حتی اگر بگوییم که اصل احتیاط خاص فرج نداریم، اما در مانحن فیه می‌بایست اصل عملیه احتیاط اجرا شود؛ پاسخ این است که زمانی به این اصل رجوع می‌شود که احتمال جریان اصل براءت باشد، حال آنکه در نکاح و فروج موردی ندارد که نوبت به براءت برسد. در موارد شبهه حکمیه یا عموم و اطلاقی وجود دارد که اقتضای آن حلیت امر مشتبّه است یا حرمت آن، لذا دیگر جایی برای احتیاط نمی‌ماند؛ عمومات و اطلاقات دلیل نص بر ادله اصول علمیه که احتیاط نیز جزء آن است، ورود دارند یا این که عموم و اطلاقی وجود ندارد. در این صورت اگر شک در صحت نکاح بود، اصل در آن همانند سایر معاملات فساد است؛ اما اگر شک در جواز جماع باشد، مثل موارد اشتباه خون با حیض، اگر زن حالت سابقه‌اش چه طهارت چه حیض معلوم باشد، طبق نظر مشهور، استصحاب مقدم است.

### - حکم شرعی صورت‌های مختلف رحم جایگزین

صورت اول: رحم جایگزین با استفاده از جنین حاصل از اسپرم و تخمک زوجین نابارور این قسم جانشینی در بارداری از دو مرحله جمع‌آوری اسپرم و تخمک زوجین نابارور و بارور کردن آن‌ها با یکدیگر و هم‌چنین بارور کردن رحم مادر جانشین یا تخمک مزبور یا جنین حاصل از آن تشکیل می‌شود. مرحله نخست آن یعنی نفس عمل جمع‌آوری اسپرم و تخمک از زوج نابارور در صورتی که دارای مقدمات حرامی مانند نگاه، لمس نامحرم و خودارضایی نباشد و هم‌چنین بارور کردن تخمک زن با اسپرم همسرش در داخل یا خارج رحم از نظر فقهی منعی ندارد و در منابع فقهی، دلیلی بر عدم مشروعیت این موارد نیست. در نتیجه فقها نیز بنا به نبود وجود دلیل بر حرمت و با استناد به اصل اباحه، آن را جایز دانسته و فتوایی بر حرمت آن‌ها ندارند [۲۰].

اما مرحله دوم آن یعنی بارور کردن رحم زن دومی با تخمک بارور شده یا جنین رشد یافته از آن را می‌توان بر اساس وجود رابطه زوجیت اعم از موقت و دائم بین مرد صاحب اسپرم و زن صاحب رحم به دو صورت تقسیم کرد:

۱- جنین به رحم زنی که با مرد صاحب اسپرم، رابطه زوجیت دارد، انتقال داده می‌شود که در این صورت، دلیلی بر حرام بودن آن وجود ندارد. چراکه اسپرم و تخمک زوجین در زمان زوجیت ترکیب شده و حمل نیز در رحم مباح و با رضایت همسر دوم و زوجش قرار گرفته و صرف طبیعی نبودن عمل سبب حرمت آن نمی‌گردد. روایات مربوط به قرار دادن نطفه در رحم حرام هم شامل موضوع بحث

نمی‌شود، چون رحم همسر دوم بر مرد حلال است و اختلاط اسپرم با تخمک همسر و انتقال آن به رحم همسر دیگر این مرد هیچ‌گونه حرامی را در پی ندارد. خصوصاً که دلیلی بر ممنوعیت عمل وجود ندارد و اصل عمل با قطع نظر از عوارض و آثار آن، مجرای اصل برائت و اباحه است، چنان‌که عده‌ای از فقها به جواز آن تصریح کرده‌اند (آیت‌الله مؤمن، آیت‌الله حرم پناهی، آیت‌الله فاضل لنکرانی).

۲- مورد دوم موردی است که جنین به رحم زنی منتقل می‌شود که با مرد صاحب اسپرم، رابطه زوجیت ندارد. در مورد این مسئله اختلاف نظر بیشتر است و دیدگاه‌های فقهی و فتاوی‌ای در جواز و عدم جواز آن وجود دارد. از بررسی دلایل جواز و عدم جواز جانشینی در بارداری روشن است که این صورت دارای منع شرعی نمی‌باشد. هم‌چنین می‌توان بر جواز این مورد چنین استدلال کرد که حفظ جنین چه در دستگاه مصنوعی و چه در رحم ولو در رحم بیگانه واجب است، اگر وجوب آن احراز نشود، لاقلاً جواز آن احراز می‌گردد. جنین را نباید از بین برد، بنابراین انتقال آن به رحم بیگانه منعی ندارد، زیرا دلیلی بر حرمت آن در شرع وجود ندارد و حتی بر زن زناکار حرام است که جنین به وجود آمده را سقط نماید. با عدم دلیل بر حرمت انتقال جنین به رحم بیگانه، برابر اصل حلیت و اصل برائت، حکم بر جواز آن می‌شود، زیرا این دسته نیز از شبهه‌های بدوی تحریمی می‌باشد و در مورد آن نیز برائت شرعی و عقلی جاری می‌شود [۲۱].

آیت‌الله مکارم شیرازی در این خصوص معتقدند که استفاده از رحم جایگزین ذاتاً اشکال شرعی ندارد. هرگاه اسپرم و تخمک زن و شوهری باهم ترکیب شود و جنین تشکیل دهد، کاشتن آن در رحم فرد ثالث ذاتاً اشکال ندارد و از بعضی جهات شبیه رضاع کامل است که موجب محرومیت می‌شود، ولی فرزند به صاحبان اسپرم و تخمک تعلق دارد و از آنجاکه این کار (کاشتن جنین حلال در رحم مادر جانشین) معمولاً مستلزم نظر و لمس حرام است، تنها در صورت ضرورت جایز است [۲۲].

صورت دوم: رحم جایگزین در موارد تلقیح اسپرم و تخمک بیگانه: این حالت در تمام مواردی که یکی از زوجین نابارور فاقد اسپرم یا تخمک می‌باشند، قابل تصور است. به عبارت دیگر در تمام مواردی که جنین منتقل شده به رحم جایگزین از اسپرم و تخمک دو بیگانه بدون رابطه زوجیت تشکیل شده داخل در این حکم می‌باشد. از دیدگاه آیات قرآن، نفس لقاح اسپرم و تخمک زن و مردی بیگانه در خارج از رحم منعی ندارد؛ چراکه این آیات ناظر به حفظ فروج است و این عمل هیچ مغایرتی با حفظ فروج ندارد. هم‌چنین نفس عمل ترکیب اسپرم با تخمک تحت عناوین مندرج در روایاتی نظیر «افراغ ماء الغیر فی رحم محرم» و یا «ادخال النطفه فی رحم حراما» قرار نمی‌گیرد؛ چراکه تلقیح در اینجا به معنای ریختن منی مرد در رحم زن نیست. بلکه منی تجزیه می‌شود و از میان اسپرم‌های فراوان موجود در آن، اسپرمی که سالم و زنده است، گزینش شده و سپس همین اسپرم با تخمکی که در رحم پدید آمده، در فضایی بیرون از رحم تلقیح می‌شود؛ بنابراین شمول روایات نسبت به این فرض بسیار بعید به نظر می‌رسد [۲۱].

در این مورد، تعدادی از فقها ضمن اعتراف به نبود نص، عموم یا اطلاق قرآنی و روایی بر منع تلقیح اسپرم غیر شوهر تنها به دلیل مغایرت این عمل با اغراض تشریح ازدواج یا مذاق شرع روح قانون در اسلام، آن را حرام می‌دانند [۲۳].

در مورد تلقیح اسپرم غیر شوهر می‌توان نظرات را به دودسته تقسیم کرد. عده‌ای این نوع تلقیح را به‌طور مطلق و در هر صورتی حرام می‌دانند و در هیچ صورتی، آن را مجاز نمی‌دانند، اما در مقابل گروهی تلقیح اسپرم غیر شوهر را به‌طور مطلق جایز دانسته و صرفاً بدین استناد که این عمل یعنی قرار دادن نطفه غیر ولو ناشناس در رحم زن بیگانه، زنا محسوب نمی‌شود، این عمل را مطلقاً مجاز می‌دانند [۲۱]. در قبال نظر خشک و انعطاف‌ناپذیر دسته اول که بی‌جهت موجب محرومیت برخی از زوجین از برخورداری از نعمت فرزند می‌شود، نظر مطلق دسته دوم تولید نسل انسان را در ردیف تولید نسل حیوانات قرار می‌دهد. اطلاق نظر دوم انسان را بدین سمت سوق می‌دهد که دیگر طهارت نسل و جلوگیری از اختلاط انساب مفهومی ندارد.

اگرچه از بررسی مجموع دلایل فوق خصوصاً قاعده احتیاط، ضرورت اجتناب از تجویز اعمالی که لوازم آن مغایر با اغراض شارع در تشریح ازدواج است و اجتناب از اختلال نسب، می‌توان نتیجه گرفت که در مورد تلقیح اسپرم غیر شوهر حکم اولی بر حرمت است؛ اما در مواردی می‌توان بر اساس حکم ثانویه به علت وجود عسر و حرج و ضرورت ایجاد شده از ناباروری و با تعیین ضوابطی خاص، این عمل را جایز دانست. به‌عنوان نمونه در موردی که زوجین نابارور از هیچ طریقی به‌جز استفاده از اسپرم یا تخمک اهدایی غیر نمی‌توانند دارای فرزند شوند، می‌توان با استناد به قاعده «الضرورات تبیح المحظورات» و قاعده نفی عسر و حرج و هم‌چنین مصلحت حفظ نهاد خانواده این مورد را تجویز کرد.

صورت سوم: تزریق مستقیم اسپرم زوج نابارور یا بیگانه به داخل رحم مادر جانشین: در مورد این حالت، بعضی از نویسندگان تلاش کرده‌اند تا با تفسیر روایات، حکم به جواز این مورد بدهند. به این بیان که این روایات در جهت بیان حکم زنا و روابط نامشروع می‌باشد و موضوع مورد بحث از تحت حکم این روایات خارج است؛ اما به نظر می‌رسد، این صورت مشمول نص صریح روایات است؛ بنابراین از جهت حکم اولی، جایز نمی‌باشد، اما از جهت حکم ثانوی و از باب ضرورت نیز از آنجاکه در هیچ صورتی، انجام آن ضرورت پیدا نمی‌کند، نمی‌توان به حکم ثانوی و وجود ضرورت حکم به جواز این صورت داد؛ چراکه در هر حالتی می‌توان اسپرم زوج و تخمک مادر جانشین را در محیط

آزمایشگاه ترکیب و سپس تخمک بارور شده یا جنین حاصل از آن را به رحم مادر جانشین انتقال داد. در نتیجه این صورت به طور مطلق مجاز نیست [۲۱].

### بررسی وضعیت حقوقی رحم جایگزین

پس از انجام آزمایش‌های قطعی و موفقیت‌آمیز اعلام شدن روش‌های درمانی، قانون‌گذار ایران در سال ۱۳۸۲ در مورد شیوه‌های نوین درمان بارداری و تلقیح مصنوعی اقدام به وضع قانون نمود و قانون «نحوه اهدای جنین به زوجین نابارور» را در پنج ماده به تصویب رسانید و وزارت بهداشت را مکلف نمود تا به کمک وزارت دادگستری، آیین‌نامه اجرایی این قانون را تنظیم کند. این آیین‌نامه در سال ۱۳۸۳ به تصویب هیات وزیران رسید. ماده یک قانون مذکور مقرر می‌دارد: «به موجب این قانون، کلیه مراکز تخصصی درمان ناباروری ذی‌صلاح مجاز خواهند بود با رعایت ضوابط شرعی و شرایط مندرج در این قانون نسبت به انتقال جنین‌های حاصل از تلقیح خارج از رحم زوج‌های شرعی و قانونی پس از موافقت کتبی زوجین صاحب جنین به رحم زنانی که پس از ازدواج و انجام اقدامات پزشکی ناباروری آن‌ها (هر یک به تنهایی یا هر دو) به اثبات رسیده، اقدام کنند».

با توجه به شیوه‌های مختلف تلقیح مصنوعی و اختلاف نظر فقها در مورد برخی از شیوه‌های مذکور، قانون‌گذار در قانون نحوه اهدای جنین، تنها اهدای جنین از سوی زوجین شرعی و قانونی را پذیرفته و اهدای اسپرم یا تخمک را تجویز نکرده است. در مورد سایر روش‌های تلقیح مصنوعی (رحم جایگزین) قانون مذکور، حکم صریحی را بیان نداشت و باید به کمک اصول حقوقی و نظریات فقهی، حکم قضیه را مشخص نمود.

در مورد لقاح مصنوعی سلول‌های جنسی زوج و زوجه در داخل یا خارج از رحم، قانون نحوه اهدای جنین ساکت است. مطابق اصل ۱۶۷ قانون اساسی با توجه به نظر غالب فقهای معاصر که قائل به جواز چنین عملی می‌باشند و نیز با استناد به اصل برائت می‌توان شیوه درمانی مزبور را مورد پذیرش نظام حقوقی ایران دانست.

در مورد رحم جایگزین نیز هر چند قانون‌گذار به صراحت اعلام موضع ننموده، اما این روش را نیز باید مورد تأیید قانون‌گذار دانست. چراکه اولاً آنچه ممکن است مورد اختلاف نظر فقها باشد، مشروعیت وارد کردن جنین در رحم زن بیگانه است و قانون‌گذار با پذیرش اهدای جنین در قانون نحوه اهدای جنین، این عمل را صحیح دانسته است. حال چه تفاوت می‌کند بعد از تولد، طفل مسترد شود یا صاحب رحم آن را نزد خود نگه دارد. به علاوه وقتی قانون وارد کردن جنین در رحم زن بیگانه را برای اهدا پذیرفته، به طریق اولی باید موردی که وارد کردن جنین در رحم زن اجنبی بر مبنای استرداد آن به والدین اصلی باشد، مورد پذیرش قرار گیرد.

ثانیاً بر مبنای ماده ۱۰ قانون مدنی «قراردادهای خصوصی نسبت به کسانی که آن را منعقد نموده‌اند، در صورتی که مخالف صریح قانون نباشد، نافذ است» قراردادهای مخالف نظم عمومی و اخلاق حسنه نیز مطابق ماده ۹۷۵ قانون مدنی<sup>۱</sup>، قابلیت اجرا ندارد. موضوع قرارداد اجاره رحم را می‌توان کمک به حفظ و ادامه حیات جنین موجود دانست. لذا عقد مذکور بانظم عمومی و اخلاق حسنه مخالفت ندارد و به استناد ماده ۱۰ قانون مدنی با توجه به عدم منع صریح قانون، قرارداد اجاره رحم را باید صحیح و نافذ دانست. این نتیجه را اصل صحت (ماده ۲۲۳ قانون مدنی)<sup>۲</sup> نیز تأیید می‌نماید [۱۸].

### ۱- ماهیت حقوقی قرارداد مادر جانشین

معمولاً نویسندگان حقوقی در باب تعیین ماهیت حقوقی قرارداد استفاده از روش مادر جانشین به قالب‌های عقدی توجه داشته و بر این اعتقادند که چنین عملی باید در ساختار حقوقی «عقد» محقق شود، چراکه از میان وقایع و اعمال حقوقی، عقد است که برای انعقاد و ایجاد اثر دلخواه ناشی از آن، به توافق دو یا چند اراده نیاز دارد. بدین ترتیب، عمل حقوقی ایقاع و واقعه حقوقی، تخصصاً از گستره چنین موضوعی خارج است چراکه ایقاع با انشای یک اراده و واقعه حقوقی در اثر قانون و بدون توجه به اراده انشایی شخص ایجاد می‌شود (علیزاده، ۱۳۸۶: ۱۵۰). دلیل چنین رویکردی واضح است زیرا در بحث استفاده از روش مادر جانشین بین همواره دو طرف وجود دارد، صاحبان اسپرم و تخمک (والدین حکمی) از یک سو و مادر جانشین از سوی دیگر؛ اما آیا صرف مداخله دو طرف در این رابطه به معنای انحصار تحلیل این رابطه حقوقی در قالب عقد و قراردادی دوجانبه است. در پاسخ منفی نباید تردید نمود، زیرا آنچه برای عقد بودن یک رابطه حقوقی لازم است، دخالت انشایی اراده طرفین در خلق آثار حقوقی است، نه صرف لزوم یا مداخله دو طرف. برای تصدیق این مدعا کافی است به وصیت

۱- ماده ۹۷۵ قانون مدنی: هیچ محکمه‌ای نمی‌تواند قوانین خارجی یا قراردادهای خصوصی را که برخلاف اخلاق حسنه بوده یا به واسطه جریحه‌دار کردن احساسات جامعه

یا به علت دیگر مخالف بانظم عمومی محسوب می‌شود، به موقع اجرا گذارد؛ اگرچه اجرا قوانین مزبور اصولاً مجاز باشد.

۲- ماده ۲۲۳ قانون مدنی: هر معامله که واقع شده باشد، محمول بر صحت است؛ مگر این که فساد آن معلوم شود.

عهدی نگاهی بکنیم که در آن بیگمان سخن از یک رابطه دوجانبه است، اما با این وجود به تصریح قانون مدنی (ماده ۸۳۴)، ما با یک ایقاع روبه‌رو هستیم. اختلاف جدی که در عقد یا ایقاع بودن وصیت تملیکی در بین فقها وجود دارد به نحوی نشان می‌دهد که صرف مداخله دو نفر در یک رابطه حقوقی، کافی برای عقد تلقی کردن آن نیست و گرنه بحث از عقد یا ایقاع بودن وصیت تملیکی و ایقاعات غیرعاقلانه می‌نمود. برای تعیین عنوان و ماهیت عقدی را که افراد در توافقات‌های خود استفاده می‌کنند چندین ملاک وجود دارد یکی قصد مشترک طرفین است زیرا عنصر سازنده هر عقد قصد مشترک است. معیار دیگر عرف است زیرا وقتی افراد در برابر حکم عرف سکوت می‌کنند دلیل آن است که دیدگاه عرف و اراده عموم را پذیرفته‌اند. علاوه بر این‌ها تشخیص نوع عقد در تقسیم‌بندی عقود تأثیر به‌سزایی در تعیین ماهیت آن دارد، به‌عنوان مثال خصوصیات هر توافق از قبیل لزوم یا جواز، عهده یا تملیکی بودن، معوض یا غیر معوض بودن، معاملی یا مسامحی بودن، رضایی یا تشریفاتی بودن و غیره می‌تواند در تشخیص و تعیین ماهیت عقد کمک شایانی بنماید [۲۴].

## ۲- تطبیق قرارداد مادر جانشین با ماده ۱۰ قانون مدنی

برخی انعقاد قرارداد مادر جانشین را در قالب ماده ۱۰ قانون مدنی مناسب دانسته‌اند [۲۵ و ۲۶ و ۴]. اگر ماده ۱۰ قانون مدنی را به‌عنوان یک قالب تکمیلی و برای پر کردن خلأ باقیمانده از عقود معین به حساب نیاوریم قابلیت تطبیق با قرارداد استفاده از رحم جایگزین را دارد زیرا طبق ماده ۱۰ قانون مدنی، ضروری نیست که برای ایجاد تعهد، توافق اشخاص به‌صورت یکی از عقود معین در قانون باشد و این موضوع درباره جانشینی در بارداری نیز مصداق دارد و اشخاص می‌توانند درباره آن به‌صورت قراردادی خصوصی که در قانون عنوان و صورت خاصی ندارد با یکدیگر توافق کنند و خود، شرایط و آثار آن را طبق قواعد عمومی قراردادها و اصل حاکمیت اراده تعیین نمایند. درواقع با پذیرش دیدگاه فوق نه تنها مانعی برای اشخاص در مراجعه به عقود معین که قابلیت انطباق با قرارداد استفاده از رحم جایگزین را دارند وجود ندارد بلکه می‌توان از ماده ۱۰ قانون مدنی نیز استفاده نمود. از محاسن انعقاد قرارداد رحم جایگزین با استفاده از ماده ۱۰ قانون مدنی این است که افراد می‌توانند قرارداد را با هر عنوانی که بخواهند منعقد کنند، آثار و نتایج آن را به‌دلخواه تعیین کنند. افزون بر این اصل حاکمیت اراده اقتضا دارد که در تفسیر قرارداد به آنچه متعاقبین به‌طور صریح یا ضمنی اراده کرده‌اند توجه شود؛ بنابراین به نظر می‌رسد ماده ۱۰ مناسب‌ترین قالب برای انعقاد قرارداد رحم جایگزین بوده و درعین حال از ایرادات وارده بر عقود معین - که پیش‌از این گذشت - مصون است [۲۴].



### نتیجه گیری

در سایه پیشرفت‌های چشمگیر پزشکی، استفاده از درمان‌های کمکی برای غلبه بر مشکل نازایی زوجین نابارور رو به افزایش است. یکی از این روش‌های نوین، استفاده از رحم جایگزین می‌باشد. در این روش مادر جانشین برای به ثمر رساندن جنین زوج دیگر، باردار می‌شود و بعد از وضع حمل موظف به تحویل کودک به صاحبان اسپرم و تخمک است.

قانون‌گذار ایران در سال ۱۳۸۲ در مورد اهدای جنین به زوجین نابارور، اقدام به وضع قانون نمود و اهدای جنین را صراحتاً موردپذیرش قرار داد. سایر روش‌های نوین درمانی در قانون مذکور مسکوت مانده و حکم خاصی از سوی قانون‌گذار انشا نشده است. با استناد به اصل ۱۶۷ قانون اساسی و مراجعه به فتاوی معتبر فقهی و نیز به کمک اصول حقوقی می‌توان علاوه بر اهدای جنین به زوجین نابارور، تلقیح مصنوعی سلول‌های جنسی زن و شهر و اجاره رحم را در نظام حقوقی ما قابل‌پذیرش دانست.

در خصوص استفاده از رحم جایگزین از دیدگاه فقهی باید اذعان داشت که هرچند میان فقها نظر واحدی در مورد استفاده از رحم جایگزین وجود ندارد، اما با نگرش کلی به فتاوی صادره و جمع‌بندی آرای به‌دست‌آمده به نظر می‌رسد که این عمل چه در رحم زن صورت گیرد چه در آزمایشگاه، بلاشکال باشد و اگر گروهی نیز جواز به‌کارگیری این روش را مورد تردید قرار داده‌اند، احتمالاً به دلیل بیم از ارتکاب پاره‌ای از کارهای مقدماتی مانند اخذ اسپرم از نامحرم یا قرارگیری نطفه به روش‌های غیرمجاز بوده‌اند، وگرنه هیچ دلیلی بر حرمت اصلی عمل به نظر نمی‌رسد.

## منابع و مراجع

- [۱] قرآن کریم.
- [۲] کوشا، ا.، ابراهیمی، آ.، ۱۳۹۰، تابعیت اطفال متولد از تلقیح مصنوعی، فصلنامه حقوق پزشکی، شماره ۱۸، ۱۳۹۰.
- [۳] امامی، ا.، و صفایی، س. ح. (۱۳۸۵). "مختصر حقوق خانواده". چاپ یازدهم. انتشارات میزان. تهران.
- [۴] آخوندی، م. م.، و بهجتی اردکانی، ز. (۱۳۸۶). "رحم جایگزین، تعریف، انواع و ضرورت استفاده از آن در درمان ناباروری". انتشارات پژوهشکده ابن سینا و سمت، تهران.
- [۵] نایب‌زاده، ع. (۱۳۸۰). "بررسی حقوقی روش‌های نوین باروری مصنوعی، مادر جانشین، اهدای تخمک یا جنین". انتشارات مجد. تهران.
- [۶] جوسرای، س. غ.، علی اکبری، ا.، رجبی، ف. ز.، کوهی، ح.، ۱۳۹۳، رحم جایگزین از دیدگاه حقوقی، نشریه اسلام و سلامت، دوره ۱، شماره ۲، ۱۳۹۳.
- [7] Petrozza, JC. Gray, MR., Davis, AJ. Reindollar, RH. (1997). "Congenital absence of the uterus and vagina is not commonly transmitted as a dominant genetic trait: outcomes of surrogate pregnancies", *Fertil Steril*, 67(2), 387-9.
- [8] Shenfield, F, Pennings, G, Cohen, J, Devroey, P, de Wert, G. (2005). "ESHRE Task Force on Ethics and Law 10: surrogacy", *Hum Reprod*, 20(10), 2705-7.
- [9] Nosarka, S, Kruger, TF. (2005). "Surrogate motherhood", *S Afr Med J*, 95(12), 942-6.
- [10] Brinsden, PR. (2003). "Gestational surrogacy", *Hum Reprod Update*, 9(5), 483-91.
- [۱۱] بن منظور. (۱۴۲۴). "لسان العرب". چاپ سوم، نشر دارالفکر. بیروت.
- [۱۲] عراقی، ع.، امامی، ا.، قاسم‌زاده، م.، صادقی، م. و برزویی، ع. (۱۳۸۷). بررسی تطبیقی حقوق خانواده. انتشارات دانشگاه تهران. تهران.
- [۱۳] غفاری، م. (۱۳۸۲). روش‌های پیشرفته در درمان نازایی. انتشارات سمت. تهران.
- [۱۴] حرم‌پناهی، م.، ۱۳۷۶. تلقیح مصنوعی، مجله فقه اهل‌بیت، شماره ۹، ۱۳۷۶.
- [۱۵] حر عاملی، م. (۱۴۰۴). وسایل‌الشیعه. دارالاحیاء التراث العربی. بیروت.
- [۱۶] اصری، ح. (۱۳۸۶). واکاوی احکام فقهی نسب در کودک متولد از روش رحم جایگزین. انتشارات سمت. تهران.
- [۱۷] زارعی شریف، و. (۱۳۸۸). احکام استفاده از رحم جایگزین. رساله دکتری. دانشگاه آزاد اسلامی واحد علوم و تحقیقات تهران. تهران.
- [۱۸] جعفرزاده، م.، ۱۳۷۷، درآمدی بر مسائل فقهی - حقوقی ART، بولتن تولیدمثل نازایی پژوهشکده ابن‌سینا، شماره ۳، ۱۳۷۷.
- [۱۹] جمعی از نویسندگان. (۱۳۸۶). رحم جایگزین. انتشارات سمت. تهران.
- [۲۰] نجفی، م. (۱۳۶۶). جواهرالکلام فی شرح شرائع الإسلام. دار إحياء التراث العربی. بیروت.
- [۲۱] رضایا معلم، م. ر. (۱۳۸۳). باروری‌های پزشکی از دیدگاه فقه و حقوق. انتشارات بوستان کتاب. قم.
- [۲۲] یزدی، م.، ۱۳۷۵. باروری‌های مصنوعی و حکم فقهی آن، مجله فقه اهل‌البیت، شماره ۵، ۱۳۷۵.
- [۲۳] مکارم شیرازی، ن. (۱۳۸۱). استفتائات جدید، انتشارات مدرسه علی بن ابی‌طالب. قم.
- [۲۴] میر هاشمی، س.، ۱۳۸۳، تلقیح مصنوعی در اندیشه فقهی - حقوقی و موافقان و مخالفان آن، مجله ندای صادق، شماره ۳۶، ۱۳۸۳.
- [۲۵] طباطبایی، م.، ص.، ۱۳۹۳، ماهیت حقوقی قرارداد استفاده از روش مادر جانشین، فصلنامه پژوهش حقوق خصوصی، سال ۳، شماره ۹، ۱۳۹۳.
- [۲۶] جلالیان، م. ت. (۱۳۸۶). صحت قرارداد استفاده از رحم جایگزین، مجموعه مقالات رحم جایگزین، چاپ اول، انتشارات سمت و پژوهشکده ابن سینا. تهران.
- [۲۷] رخشنده رو، ه. (۱۳۸۸). قرارداد استفاده از رحم زن، مجموعه مقالات رحم جایگزین، چاپ اول، انتشارات سمت و پژوهشکده ابن سینا. تهران.